



سومین همایش ملی

بانوک حضرت زهرا سلام

بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC
Islamic World Science Citation Center

CIVILICA

SID

نقد و ارزیابی آرای مستشرقان پیرامون پیامدهای روحی و اجتماعی رحلت حضرت خدیجه (س) بر رسول اکرم (ص)

مهدی اسماعیلی صدرآبادی^۱

سیدمحمد موسوی^۲

سارا حیدری^۳

چکیده

زندگانی رسول اکرم (ص) به مثابه پیامبر دین اسلام، همواره مورد توجه محققان به ویژه خاور شناسان بوده است. در میان اهل بیت پیامبر اسلام، شخصیت نخستین همسر ایشان، حضرت خدیجه (س) و کوشش‌های او در راستای نشر و تقویت اسلام محط بحث قرار گرفته است. به همین روی در آثار خاورشناسان فراز و فرود زیست حضرت خدیجه نمود زیادی داشته است. ابعاد زندگانی وی از زوایایی قابل بحث و بررسی است. بعضی از خاورشناسان، پیامدهای رحلت خدیجه همسر پیامبر را در آثار خویش مورد کنکاش قرار داده‌اند. بر همین پایه، این نوشتار با هدف بازخوانشی بر تولد، وفات حضرت خدیجه، اندوه رسول اکرم در فقدان او، فضایل حضرت خدیجه به مطالعه و نقد نظرگاه خاورشناسان درباره تبعات روحی و اجتماعی رحلت حضرت خدیجه نیز پرداخته است. این پژوهش با همین هدف و از رهگذر توصیفی تحلیلی منتج به نتایج پیش رو شد؛ اولاً تحلیل آرای مستشرقان پیرامون زندگانی حضرت خدیجه (س) نشان می‌دهد بیشتر نظرات ایشان در راستای ارزیابی حوادث زمان پیامبر و شخصیت حضرت خدیجه است. ثانیاً بعضی از آرای مستشرقان گرچه هم‌راستا با منابع اصیل تاریخی است، ولیکن مطالب نااستوار نیز در اثنای آثار ایشان قابل شناسایی است؛ ثالثاً به باور ما تفاوت نگرش میان محققان جهان اسلام و غرب از یک طرف و برخورد گزینشی با منابع و غرض‌ورزی از دیگر سو دیدگاه‌های بعضاً متناقض درباره پیامدهای رحلت حضرت خدیجه (س) ایجاد کرده است.

واژگان کلیدی: آرای مستشرقان، پیامدهای روحی و اجتماعی، رحلت خدیجه (س)، رسول اکرم (ص).

^۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشکده حضرت نرجس (س)، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان،

esmaeili.sadr@gmail.com

^۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان.

^۳. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه

مطالعه درباره تاریخ صدر اسلام با مشکلات متعددی همراه است که شاخص‌ترین آن موارد اختلاف گزارش‌های کلی و جزئی است که پیرامون اتفاقات صدر اسلام و صحابی‌ان پیامبر رخ داده است. این رخداد معلول دلایل گوناگونی است که یکی از برجسته‌ترین آنها اختلافات فرقه‌ای بین مذاهب گوناگون فقهی و کلامی است که در طول تاریخ اسلام ظاهر شده و خود را در قالب گزارش‌های گوناگون و بعضاً متناقض پیرامون محوری یکسان نشان داده است. یکی از این موارد گزارش‌های گوناگونی است که درباره حضرت خدیجه (س) همسر اول رسول اکرم بیان شده است.

از دیگر سو یکی از حوزه‌های مهم شرق‌شناسی و مورد توجه خاورشناسان شاخه مطالعات اسلامی است. اولین و برجسته‌ترین ساحت شرق‌شناسان در مباحث اسلامی زندگانی و زیست رسول مکرم اسلام است. رسول اکرم به عنوان نمودار اساسی دین مبین اسلام و کانون توجه مستشرقان با این دین بوده است. به همین جهت شاخص‌ترین دلیل عنایت غربی‌ها به دین مبین اسلام به این نکته باز می‌گشت که دین اسلام مکمل ادیان ابراهیمی و آخرین دین سماوی است. این مطلب مسیحیت را به کنشگری سوق داد و فرجام آن تدوین آثار زیادی پیرامون دین مبین اسلام از قدیم تاکنون بوده است. (نادر پورنقش‌بند، نحوه برخورد اسلام‌شناسان غرب با سیره رسول اکرم، ج ۱، ص ۲۴۱)

از عوامل دیگر گسترش مطالعات شرق‌شناسان می‌توان به کوشش مبلغان مسیحی به تبسیط روابط اقتصادی و رشد تعاملات با جهان شرق در قالب استعمار یاد کرد. (محمود مطهری‌نیا، مستشرقان و نبی اعظم، ص ۲۵) گرچه ارزیابی آکادمیک درباره سیره رسول اکرم در غرب از سده ۱۹ میلادی به صورت جدی شروع شده (مرتضی کریمی‌نیا، سیری اجمالی در سیره‌نگاری پیامبر اسلام در غرب، ص ۱۴) ولی نگاه به این مسئله در طول زمان دچار تطور تاریخی و دگرگونی شده است.

در آغاز مطالعات مستشرقان پیرامون جهان اسلام برخاسته از غرض‌های قرون وسطایی بود که اسلام را دشمن و پیامبر را ضد مسیحی (Antichrist) معرفی می‌کردند. این اغراض تا حدی پیشرفت داشت که بعضی از محققان در آثار خود اسم محمد را به «محو‌ند» (به معنای تاریکی) تغییر دادند. (مینو صمیمی، محمد در اروپا، ص ۱۸۷) در بستر زمان با جدایی محققان از تسلط کلیسا نگاه اسلام‌شناسان غربی به سمت و سوی منصفانه و اعتدال تغییر یافت. (صادق آینه‌وند، سیره‌نویسی و سیره‌نگاران، ص ۹۰ و نادر پورنقش‌بند، ج ۱، ص ۲۴۹) نگاه تقریب‌گرایانه در بعضی از مواضع باعث شد که ایشان در صدد جدایی خود از محققان پیشینی خود شوند. در این راستا وات از شاخص‌ترین خاورشناسان اذعان نموده است که هیچ یک از مردان بزرگ به اندازه رسول اکرم مورد بدگویی واقع نگردید. (موننگمری وات، محمد پیامبر و سیاست‌مدار، ص ۲۸۹)

به نظر می‌رسد فراوانی پژوهش درباره پیامبر اکرم و موضوعات مرتبط با آن به محققان کمتر مجال داده است تا به نقد دیدگاه مستشرقان درباره زیست حضرت خدیجه به عنوان نخستین همسر پیامبر اسلام بپردازند، البته در کتاب تصویر خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام مدخلی درباره حضرت خدیجه گشوده شده است. در برابر در این پژوهش به ارزیابی آراء خاورشناسان پیرامون زندگانی حضرت خدیجه پرداخته خواهد شد. به ویژه آن که بررسی انتقادی اقوال خاورشناسان پیرامون حضرت خدیجه در نوشتاری مستقل و مجزا ضروری می‌باشد از این رو مقاله پیش رو با همین ضرورت به مسئله رحلت حضرت خدیجه و پیامدهای روحی و اجتماعی آن بر رسول اکرم خواهد پرداخت و این از مهم‌ترین مقولاتی است که مستشرقان در نگاشته‌های خود مطالبی بیان کرده‌اند و از دریچه مطالعات تاریخی و گزارش‌های به دست آمده نظرات ایشان در حیطه نقد قرار خواهد گرفت.

پیشینه تحقیق

درباره جایگاه حضرت خدیجه (س) در منابع اهل سنت می‌توان به مقاله بازخوانی شخصیت حضرت خدیجه (س) در منابع اهل سنت (بهرامی، معصومه، بازخوانی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت، نامه جامعه، شماره ۱۳۰، ۱۳۹۸) اشاره داشت. نگارنده در این پژوهش بر پایه منابع متقن از دیدگاه اهل سنت همچون دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم تحقیق خود را استوار نموده و معتقد است در این دسته از منابع شخصیت حضرت خدیجه مورد اجحاف قرار گرفته و در برخی از گزارش‌ها با اعمال آرای شخصی و با هدف پایین آوردن جایگاه حضرت خدیجه (س) تحقیقاتی انجام شده است.

پیرامون زیست‌نامه حضرت خدیجه کتب متعددی به رشته تحریر درآمده است که اکثر آنها رویکردی تمجیدی دارند. نزدیک به همه این منابع ازدواج‌های قبلی حضرت خدیجه را انکار کرده‌اند و آن را با نظرات بزرگان شیعه همچون سید مرتضی و شیخ طوسی رد نموده‌اند. (از جمله مهم‌ترین این آثار محمدزاده، مرضیه، همتای بی‌همتا، روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۷ و تهرانی، حسین، خصائص ام‌المؤمنین خدیجه الکبری، قم، طوبای محبت، ۱۳۹۳؛ رفیعی، ناصر، شناخت‌نامه حضرت خدیجه، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۸؛ زهراوی، عبدالحمید، خدیجه ام‌المؤمنین، بی‌جا، دارالهلل، ۱۳۸۲؛ قرشی، باقر، ام‌المؤمنین حضرت خدیجه، قم، دارالتهدیب، ۱۳۹۵؛ مجموعه مقالات همایش صدف کوثر حضرت خدیجه علیها السلام، قم، مرکز نشر جامعه المصطفی، ۱۳۹۶) کتاب سایبان آفتاب، بررسی تاریخی زندگی ام‌المؤمنین خدیجه کبری (س) (محمودپور، محمد، سایبان آفتاب بررسی تاریخی زندگی ام‌المؤمنین خدیجه، تهران، سلمان پاک، ۱۳۹۸) از این نگاه خالی نبوده‌اند ولیکن مشکل عمده این دسته از منابع بهره‌مندی از اطلاعات متأخران و معاصران بوده علیرغم اینکه بسیاری از گزارش‌ها در منابع کهن تاریخی باید جستجو شود. (جهت اطلاع بیشتر

محمودپور، محمد، نقش ام‌المومنین خدیجه در تاریخ اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، (۱۳۷۸)

محقق‌ی به نام نسیحه حسین در پایان‌نامه خود (درباره دو همسر پیامبر؛ خدیجه و عایشه) پیرامون موقعیت حضرت خدیجه نزد مسلمانان باور دارد نخستین همسر رسول اکرم به دور از اثرات زمانی، ایدئولوژیک و مکانی اطلاعات پیرامونی از او در منابع تاریخ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و این مسئله برآمده از آن است که حضرت خدیجه در نگاه اکثر مسلمانان حتی با ایدئولوژی‌های گوناگون از جایگاه بلندی بهره‌مند می‌باشد. (حسین، ص ۲)

در راستای مطالعات مستشرقان پیرامون زندگانی حضرت خدیجه (س) پیشینه محدودی وجود دارد. مطهری‌نیا در کتاب مستشرقان و نبی اعظم (۱۳۸۹) به ارزیابی دیدگاه مستشرقانی همچون مونتگمری وات، شیمل، بروکلمان، ولهاوزن و آرمسترانگ در زمینه‌های گوناگون زیست رسول اکرم پرداخته و اشاره‌ای به حضرت خدیجه نداشته است. عبدالمحمدی در کتاب مستشرقان و پیامبر اعظم (۱۳۹۴) نظرگاه مستشرقان را پیرامون ازدواج‌های رسول اکرم از دریچه تاریخی ارزیابی کرده است.

از این رو نقد و ارزیابی بعضی آراء از سوی مستشرقان که گاهی به صورت همدلانه انجام شده است نشان‌دهنده قرابت‌هایی است که برداشت آنها با مسلمانان دارند و این نکته در مبحث تبعات روحی و اجتماعی وفات حضرت خدیجه بر رسول اکرم قابل پیجویی است و پژوهش پیرامون این مسئله می‌تواند مطلبی نوین و رهیافتی جدید به دنبال داشته باشد.

۱- سال تولد حضرت خدیجه

از شاخص‌ترین مباحث مرتبط با زیست حضرت خدیجه (س) ابهام درباره سال تولد آن حضرت است که البته این مسئله با عنایت به سنت شفاهی عرب و در برخی موارد عدم نگارش تواریخ امری طبیعی است. بعضی از مورخان متقدم همچون ابن سعد درباره سال تولد حضرت خدیجه دو نقل مختلف ذکر کرده است. در نقل اول تولد حضرت را ۱۵ سال قبل از سال عام الفیل (ابن سعد، ج ۱، ص ۱۰۵، ج ۸، ص ۱۲ و ص ۱۴) و در نقل دیگر ۳ سال قبل از عام الفیل نقل نموده است. (همان، ج ۸، ص ۱۳) با قبول نقل نخست که راوی آن برادرزاده حضرت خدیجه به نام حکیم بن حزام بوده (ابن عبدالبر، ج ۱، ص ۳۶۲) رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سلم تقریباً ۱۵ سال از حضرت خدیجه کوچکتر بوده و در صورت پذیرش نقل دوم از راوی به نام هشام بن محمد کلبی که با واسطه از ابن عباس نقل کرده حضرت خدیجه تنها سه سال از رسول اکرم بزرگتر بوده است. ابن سعد با ذکر روایتی از واقدی و توجه به این نکته که نظرات واقدی و تمامی اهل علم نقل اول

پذیرفتنی است و نقل نخست که ناظر به اختلاف سنی ۱۵ ساله است تاکید شده است. (ابن سعد، ج ۸، ص ۱۳)

بعضی از محققان باورمندند راوی نقل نخست یعنی حکیم بن حزام (ن.ک: ابن عبدالبر، ج ۱، ص ۳۶۲ و ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۲۲) قابل اعتنا نمی باشد. چون فردی به نام مصعب بن زبیر این روایت را از حکیم نقل کرده و عثمانی مذهب بودن او و ضد امیرالمومنین علی بن ابی طالب رفتار نمودن وی امری محرز است و او در مواردی به نفع عایشه سن حضرت خدیجه را عمداً بالا ذکر می کرد تا پیر بودن حضرت را مطرح کرده باشد. مصعب نیز گزارش تولد حکیم بن حزام را در خانه کعبه ساخته است، برای آن که تولد علی بن ابی طالب علیه السلام در کعبه را کم ارزش نشان دهد. بر همین اساس گزارش نقل شده از حکیم بن حزام در برابر نقل دوم که از هشام بن سائب کلبی و ابن عباس نقل شده اعتبار فراوانی ندارد. بزرگان و مورخان فراوانی فضل هشام کلبی را متذکر شده اند و او را داناترین فرد به علم انساب و اخبار دوران جاهلیت و روزگاران عرب دانسته اند. (صفری فروشانی، ج ۱، ص ۲۲۴ تا ۲۲۵)

گروهی از اندیشوران شیعی بر پایه اتفاق نظر بر نقل اول، گزارش اولی را صحیح دانستند. ایشان انتساب نقل دوم به جناب ابن عباس را نپذیرفته اند. این گزارش را به فردی به نام ابن حماد دولابی منتسب دانسته و نیز فاقد سند ذکر کرده اند. (برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید محمد بن احمد دولابی، سمعانی، ج ۵، ص ۴۱۳ تا ۴۱۴) در نهایت باورمندند حکیم بن حزام به واسطه خویشاوندی نزدیک با حضرت خدیجه به احوالات آن حضرت مطلع تر بوده و گزارش او را ترجیح داده اند. (یوسفی غروی، ج ۱، ص ۳۳۴ تا ۳۳۶) با وجود این شهیدی ۲۸ ساله بودن حضرت خدیجه را هنگام ازدواج با رسول اکرم پذیرفته و باور دارد با عنایت به تعداد فرزندان پیامبر از حضرت خدیجه روشن است تاریخ نویسان عدد ۴۰ را از آن جهت که عدد کاملی است برگزیده اند. (شهیدی، زندگانی فاطمه الزهرا، ص ۲۳؛ همان، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۴۰) به این معنا که حضرت خدیجه هنگام ازدواج با رسول اکرم همچون زنی بالغه و پخته بوده است و گویا عدد اخلاقی و رفتاری او به انسان های بزرگ منش شباهت داشته است.

۲- فضایل حضرت خدیجه (س)

بعضی از مورخان روایات ناظر به جایگاه ویژه حضرت خدیجه و محبوبیت وی نزد رسول اکرم را نادیده گرفته اند. برای نمونه یکی از مهم ترین ویژگی ها و القاب حضرت طاهره است که در دوران جاهلیت به او اطلاق می شد و این نکته را برخی از مورخان تأکید نمی کنند و فقط در تک روایتی کوتاه آن هم در خبر از نوه او، محمد چنین می نگارد: «به فرزندان و فرزندانگان این محمد به احترام خدیجه (س) بنی طاهره می گفتند. (ابن سعد، ج ۸، ص ۱۲) و پس از آن در روایاتی کنیه آن حضرت را «ام هند» نام برده اند. (همانجا) ابن سعد با تأکید بر این کنیه شرح حال حضرت خدیجه را چنین توصیف می نماید: «کانت تُکَنَّى أُمَّ هِنْدٍ»

بِوَالِدِهَا مِنْ زَوْجِهَا أَبِي هَالَةَ التَّمِيمِيَّةِ» او به علت فرزندى که از همسرش ابوهاله تمیمی به دنیا آورد کنیه ام‌هند را به دست آورد. (همان، ج ۸، ص ۱۵)

این مطلب با توجه به منابع دیگر قابل مناقشه است چون منابع فراوانی تصریح نموده‌اند که حضرت خدیجه لقب طاهره داشتند. (بلاذری، ج ۳، ص ۹۷؛ طبری، ج ۷، ص ۵۶۷؛ ابن اثیر، ج ۶، ص ۷۸؛ ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ ابن عساکر، ج ۳، ص ۱۳۱؛ سبط بن جوزی، ص ۲۰۱) برخی از تاریخ‌دانان لقب ام‌المؤمنین را که در قرآن کریم به همه همسران رسول اکرم اطلاق شده تنها برای عایشه به کار برده‌اند. (برای نمونه نگاه کنید ابن سعد، ج ۱، ص ۳۱۰؛ ج ۶، ص ۱۴۱؛ ج ۷، ص ۷۰) ولیکن برای حضرت خدیجه چنین لقبی را اشاره نکرده‌اند بلکه القاب خاصی که پیامبر در شأن حضرت خدیجه بیان فرموده نیز ذکر نموده‌اند، برای مثال عبارت «افضل نساء اهل الجنة» (طبرسی، ج ۱، ص ۲۹۶؛ ابن اثیر، ج ۶، ص ۸۳)، «خیر نساء العالمین» (بلاذری، ج ۱، ص ۴۱۲)، «سیده نساء العالمین» (ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۲۷۸؛ ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۱۸۲۱؛ حاکم نیشابوری، ص ۱۰۵؛ ابن عساکر، ج ۷، ص ۱۰۹)، «سیده نساء اهل الجنة» (حاکم نیشابوری، ص ۱۰۵)، «خیر نساء هذه الامه» (سبط بن جوزی، ص ۲۷۲) و «صدیقه اُمّتی» (ابن عساکر، ج ۷، ص ۱۱۸) بعضی مآخذ حضرت خدیجه و سه تن از زنان دیگر، مریم دختر عمران، فاطمه دختر رسول اکرم (ص) و آسیه همسر فرعون را چهار زن بهشتی یاد کرده‌اند. (نگاه کنید: ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۱۸۲۳؛ طبرسی، ج ۱، ص ۲۹۵؛ اربلی، ج ۱، ص ۴۲۸)

بنا به نقل بلاذری عایشه از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که حضرت خدیجه برترین زنان دنیا است و نیز همو نقل کرده است در بهشت خانه‌ای از طلا برای حضرت خدیجه است که در آن سختی و مشقت راه ندارد. (بلاذری، ج ۱، ص ۴۱۲) در همین گزارش عایشه به فضیلت و برتری مقام حضرت خدیجه اعتراف نموده و گفته است: «إِنِّي لَأَعْرِفُ فَضْلَهَا» (همانجا) مآخذ فراوانی پیرامون درود و سلام خدای سبحان به حضرت خدیجه اشاره کرده‌اند و تأکید داشته‌اند رسول خدا توسط حضرت جبرائیل سلام و درود پروردگار را به خدیجه رساند و او را به بهشت برین بشارت داد. (یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ اربلی، ج ۱، ص ۳۵۰) بعضی از مورخان عبارت دعایی «رضی الله عنها» را پیرامون عایشه استفاده کرده‌اند در حالی که این عبارت حتی یک بار هم برای حضرت خدیجه (س) یاد نشده است. (نگاه کنید ابن سعد، جم)

بعضی از مورخان با هدف برتری بخشیدن عایشه به حضرت خدیجه روایات و اخباری را ذکر می‌کنند که به ذکر فضیلت‌های عایشه فراوان پرداخته است؛ برای نمونه برپایه نقلی عایشه امتیازاتی برای خود قائل شد که بر اساس آن‌ها به دیگر همسران رسول خدا تفوق می‌یافت. (همان، ج ۸، ص ۵۱ تا ۵۲) عایشه در این باره خود اظهار می‌دارد با ۱۰ امتیاز بر دیگر زنان پیغمبر مکرم اسلام برتری داده شده‌ام. او پیرامون فضائل خود چنین مطالبی را ذکر می‌کند: پیغمبر مکرم دو شیزه‌ای جز مرا به هم سری نگرفت. (ابن سعد، ج ۸، ص ۴۶) و

همسری که والدین او هر دو از مهاجران باشند جز من برنگزیده است. خدای سبحان حکم بخشش مرا از آسمان صادر کرد. حضرت جبرائیل تصویر چهره مرا بر پارچه حریری برای رسول خدا آورد و به حضرت گفت صاحب این چهره را به همسری اختیار کند. من و رسول اکرم از آب یک ظرف غسل می کردیم و هیچ کدام از زنان دیگر پیغمبر چنین نمی کردند. در حالی که در خانه پیغمبر نماز می خواند من به راحتی در برابر ایشان رفت و آمد می کردم. رسول اکرم مادامی که با من بود وحی بر او نازل می شد ولیکن با زنهای دیگرش وحی ای نازل نشد. خداوند پیغمبر را قبض روح فرمود در حالی که به بنده تکیه داده بود و در آن شبی رحلت نمود که نوبت من بود و در حجره من به خاک سپرده شد. (ابن سعد، ج ۸، ص ۵۰ تا ۵۱؛ برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید محمدمزاده، پیامبر اکرم و زنان با پیامبر اکرم، ص ۶۸)

بعضی از مورخان در آثار خود کو شیده اند برای بعضی از همسران رسول خدا جایگاه ویژه و منحصر به فردی تعریف نمایند در حالی که بتوانند محبوبیت بعضی از زنان را بر حضرت خدیجه (س) ثابت کنند و در همین راستا بعضی از گزارش ها درباره فضائل حضرت خدیجه که در منابع تاریخی گوناگون ذکر شده است افرادی از آن عبور کرده اند و در عوض با چینش گزارش هایی و نشان دادن جایگاه خاص عایشه دختر خلیفه اول و پس از آن بزرگنمایی نقش ابوبکر در زمان رسول اکرم (گوهری، ۸۵ تا ۹۹) مخاطبان را به این مسیر حرکت دهند که ابوبکر به واسطه لیاقت در ماجرای سقیفه جانشین رسول اکرم گردید.

۳- وفات حضرت خدیجه و اندوه رسول اکرم

بیشتر منابع تاریخی رحلت حضرت خدیجه را در سال دهم بعثت همزمان با سال رحلت جناب ابوطالب ذکر کرده اند ولیکن در باره زمان دقیق وفات حضرت اختلاف نظر وجود دارد (یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۱۹۹ تا ۲۰۰) بعضی از مورخان رحلت حضرت خدیجه را ۳۵ روز پس از درگذشت جناب ابوطالب یعنی ۳۵ روز بعد از گذشت نیمه ای ماه شوال سال دهم بعثت دانسته اند. (ابن سعد، ج ۱، ص ۱۰۰) و به نقلی بعد از خروج بنی هاشم از محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب در رمضان سال دهم بعثت در سن ۶۵ سالگی گزارشی نقل شده است. (همان، ج ۸، ص ۱۵ و ۱۷۴) در این باره چند گزارش نقل شده است: مصیبت خوانی وفات حضرت خدیجه، بی تمایلی رسول اکرم به خروج از منزل و آزاررسانی قریشیان (همان، ج ۱، ص ۱۶۴)، ناراحتی رسول اکرم از وفات حضرت خدیجه (ج ۸، ص ۴۶) در برخی از گزارش ها ماجرا به نفع عایشه بازگو شده و او را بهترین فرد جایگزین برای حضرت خدیجه دانسته اند. (همان، ج ۸، ص ۶۲)

این مطلب در حالی است که اولین همسر رسول اکرم پس از رحلت حضرت خدیجه عایشه نبوده بلکه زنی به نام سوده بوده است. (همان، ج ۴، ص ۱۵۴) طبری رسول اکرم پس از وفات خدیجه را زمان عقد عایشه و پیامبر به نقلی دانسته است. رسول اکرم خوله دختر حکیم بن امیه را برای خواستگاری عایشه و سوده فرستاد.

(طبری، ج ۳، ص ۱۶۳ تا ۱۶۴) و سوده را که زنی بیوه بود قبل از عایشه به منزل خویش برد. (همان، ج ۳، ص ۱۶۳) با وجود این بعضی مآخذ با بی توجهی درباره این که رسول اکرم نخست عایشه را به تزویج درآورد تصریح کرده‌اند سوده نخستین همسر رسول اکرم پس از وفات حضرت خدیجه است. (مقدسی، ج ۵، ص ۸؛ ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۳۸)

برخی از مورخان به نقل گزارش‌هایی همت گماشته‌اند که ظاهر آن افزون از آن که نشانگر محبت رسول خدا به حضرت خدیجه باشد از جایگاه خاص عایشه نزد پیامبر خبر می‌دهد. (ابن سعد، ج ۸، ص ۴۶ تا ۶۴) بعضی ناراحتی رسول اکرم را از فقدان حضرت خدیجه ذیل مدخل عایشه ذکر کرده‌اند. (همان) ابن سعد در این باره چنین نقل می‌کند: پس از وفات حضرت خدیجه پیامبر چنان دلگیر شد که وجود مبارکش ترسیدند تا جان خود را از دست بدهد و سرانجام پیامبر عایشه را به همسری خویش انتخاب کرد. (همان، ج ۸، ص ۴۷)

در گزارشی داستان‌گونه در راستای برتری بخشیدن به عایشه چنین نقل شده است: خداوند جبرئیل را فرستاد تا عایشه را در گهواره نزد پیامبر آورد و فرمود: ای رسول خدا این دختر پاره‌ای از اندوه تو را خواهد زدود و همین جایگزین خدیجه خواهد بود و سپس او را برد. (همان، ج ۸، ص ۶۲)

به نظر می‌رسد در این نوع گزارش‌ها افزون بر این که کوشیده‌اند عایشه را عامل تسلی بخش بر اندوه رسول اکرم معرفی نمایند و او را همسری برگزیده از سوی خدای سبحان یاد کنند، تلاش کرده‌اند با بالا بردن جایگاه عایشه نزد رسول اکرم منزلت اجتماعی او را نزد مسلمانان نیز فرا برند. (حسین، ص ۱۶ تا ۱۷) افزون بر این که عایشه در آن زمان حدود سه یا چهار سال پس از عقد وی در مکه در ده سالگی به منزل رسول اکرم رفت. (ابن هشام، ج ۲، ص ۶۴۴) بخاری در کتاب الجامع الصحیح آورده است که رسول خدا سه سال پس از رحلت حضرت خدیجه عایشه را به تزویج خویش درآورد. (بخاری، ج ۵، ص ۳۸)

۴- پیامدهای وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها

حضرت خدیجه در هنگامه رحلت حدوداً ۶۵ ساله بودند و به دلیل کمبود مواد غذایی در دوره تحریم شعب ابی طالب بسیار صدمه دیده بودند. (مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۲۱۵) خاورشناسان سال وفات حضرت خدیجه را ۶۱۹ میلادی یا سه ماه قبل از هجرت پیامبر اشاره کرده‌اند. (مارتین لینگز، محمد بر پایه کهن‌ترین منابع، ص ۲۰۱؛ کارن آرمسترانگ، محمد زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۸۵) پورت پیرامون وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها چنین اظهار می‌دارد: خدیجه همسر باوفای رسول اکرم، زمانی که سر مبارکشان در آغوش ایشان بود درگذشت؛ وفات او که آنقدر مورد محبت بود در واقع برای پیامبر اسلام اتفاق جانگدازی بود. در این هنگام اجاق کانون خانواده پیامبر خاموش شد و رسول اکرم تنها ماند.

(جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۱۳۲) حضرت خدیجه در شمال قبرستان مکه دفن گردید و روز رحلت ایشان از جمله روزهایی است که همچون تولد امام حسین علیه السلام و شهادت امیرالمومنین علی بن ابی طالب در طول تاریخ اسلام فراموش ناشدنی می باشد. (همان، لویی گارده، اسلام، دین و امت، ص ۱۳۰) خاورشناسان از رحلت خدیجه سلام الله علیها به مثابه آسیب فراوان و سخت (مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۴۲؛ اشپولر، جهان اسلام، ص ۲۷) برای رسول اکرم عنوان کرده و سال رحلت او را همزمان با درگذشت ابوطالب سال اندوه رسول اکرم یاد کرده اند. (مردان حکمت: محمد و سنت اسلامی، ص ۳۳) رسول اکرم مادامی که حضرت خدیجه زنده بودند همسری دیگر انتخاب نکردند. (مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاست مدار، ص ۱۰۱؛ کارن آرمسترانگ، محمد زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۶؛ آلن دوسلیه و روزه آرنالدز، آینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۰۹؛ فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ص ۱۴۵؛ جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۲۳؛ لویی گارده، اسلام دین و امت، ص ۱؛ گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۰۸؛ ژوزف بورلو، تمدن اسلامی، ص ۳۰) بعد از آن رسول اکرم همسران دیگری انتخاب کرد و خاورشناسان برای حضرت تا ۹ همسر را یاد کرده اند. (آنه ماری شیمل، محمد رسول خدا، ص ۲۲؛ آندره میکل، اسلام و تمدن اسلامی، ص ۷۰؛ ابوت، عایشه همسر پیغمبر، ص ۱۶؛ ژوزف بورلو، تمدن اسلامی، ص ۳۰) ناگفته نماند هیچ کدام از همسران پیامبر نتوانستند جایگاه حضرت خدیجه را بگیرند و جای خالی ایشان را برای پیامبر پر کنند. (کارن آرمسترانگ، محمد زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۳۷۲؛ ابوت، عایشه همسر پیامبر، ص ۶)

مستشرقان برای وفات حضرت خدیجه آثار و پیامدهای گوناگونی گفته اند؛ از جمله:

۱. با رحلت حضرت خدیجه دیگر کسی در اطراف پیامبر نبود که از ایشان صیانت نماید. (بوهل، محمد در دائره المعارف اسلام، ج ۷، ص ۳۶۵؛ فیزر، محمد در دائره المعارف اسلام و جهان اسلام، ج ۲، ص ۴۷۹)
۲. با درگذشت حضرت خدیجه و ابوطالب از جایگاه مخاطره آمیز، مأیوس کننده و نایمینی پیامبر برخوردار گردید. (ایرا ماروین لاپیدوس، تاریخ جوامع اسلامی، ص ۵۹)
۳. رحلت حضرت خدیجه باعث شد اطمینان پیامبر به خویش افزون گردد و این مهم برای توفیق دینی او ضروری بود. (مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاست مدار، ص ۱۰۱)
۴. با مرگ عزیزان و حامیان پیامبر (ابوطالب و خدیجه علیهم السلام) حضرت تصمیم به هجرت از مکه به مدینه گرفتند. (فیلیز کورزین، امپراتوری اسلامی، ص ۲۱)
۵. وفات حضرت خدیجه جایگاه پیامبر را در مکه سخت و ناممکن گردانید. (کارن آرمسترانگ، محمد زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۹۳؛ آلبرت حورانی، تاریخ مردمان عرب، ص ۳۷)

۶. بعد از رحلت حضرت خدیجه احدی نتوانست جانشین وی گردد نه ابوبکر و نه عمر. این مسئله به گونه‌ای بنیادین و اساسی زندگانی پیامبر را تحت الشعاع قرار داد. (آرمسترانگ، محمد زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۲۰۱؛ وات، محمد در مکه، ص ۱۷۷)

۷. در کمترین فاصله از رحلت حضرت خدیجه، رسول اکرم فقدان حضرت را احساس نمودند و هنگام سفر به طائف مادامی که پیامبر را مورد آزار قرار می‌دادند جای حضرت خدیجه بسیار خالی بود. حضرت تنها فردی بود که در لحظات مشکلات پیامبر را درک می‌نمود و برای ادامه این مسیر به تشویق و نصیحت پیامبر همت می‌گماشت. (کارن آرمسترانگ، محمد زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۲۰۶؛ آنه ماری شیمل، محمد رسول خدا، ص ۲۲؛ آندره میکل، اسلام و تمدن اسلامی، ص ۷۰؛ ابوت، عایشه همسر پیغمبر، ص ۱۶)

• تحلیل و بررسی تبعات وفات حضرت خدیجه

علیرغم نظرگاه خاور شناسان که وفات حضرت خدیجه را سه ماه قبل از هجرت گفته‌اند (بوهل، محمد در دائره المعارف اسلام، ج ۷، ص ۳۶۵؛ فیزر، محمد در دائره المعارف اسلام و جهان اسلام، ج ۲، ص ۴۷۹) اغلب آثار تاریخی زمان درگذشت حضرت خدیجه را ماه رمضان سال دهم بعثت دانسته‌اند به این معنا که سه سال پیش از هجرت رسول اکرم از مکه به مدینه ایشان رحلت نمودند. (ایرا ماروین لاپیدوس، تاریخ جوامع اسلامی، ص ۵۹) طبری سال درگذشت حضرت خدیجه را بعد از خروج مسلمانان از محاصره اقتصادی شعب ابی طالب دانسته است. (محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۳ تا ۵۹۳ و محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۴؛ محمد بن احمد دولابی، ذریه الطاهره، ص ۶۴؛ ابن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۳؛ ابن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۲)

به پیروی از طبری، ابن سعد و بلاذری باورمندند حضرت خدیجه در هنگامه درگذشت ۶۵ سال عمر کرده بودند. (ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴؛ ابن جریر طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۳؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۴) ابن عبدالبر عمر حضرت خدیجه را موقع وفات کمی دقیق‌تر یعنی ۶۴ سال و ۶ ماه گفته است (یوسف بن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸) بعضی مآخذ تاریخی حدفاصل درگذشت حضرت ابوطالب و خدیجه سلام الله علیهما را ۲۵، ۳۵، ۵۵ و ۵۳ روز گفته‌اند و حتی در تقویم رحلت هر کدام از این دو بزرگوار اختلاف دیدگاه وجود دارد (ابن سعد، ج ۱، ص ۱۶۴؛ بلاذری، ج ۲، ص ۳۳؛ احمد بن علی مقریزی، امتناع الاسماع، ج ۱، ص ۴۵) لذا تاریخ‌دانان درباره وفات آن دو شخصیت برجسته تاریخ اسلام در سال دهم بعثت متفق‌اند. رسول اکرم که هر دو از حامیان اصلی خود یعنی خدیجه و ابوطالب در فاصله اندکی از دست دادند با تبعات گوناگونی رو در رو گشتند؛ از این رو این سال را عام‌الحرزن نام‌گذاری کردند. (محمد بن اسحاق،

سیره ابن اسحاق، ص ۲۴۳؛ عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۱۶؛ ابن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ احمد بن علی مقریزی، امتناع الاسماع، ج ۱، ص ۴۵) بر پایه گزارشها رسول اکرم بدن مبارک حضرت خدیجه را در دامنه کوه حجون دفن کردند. (ابن سعد، ج ۸، ص ۱۵؛ بلاذری، ج ۲، ص ۳۴، طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۳) همانطور که بعضی خاورشناسان نیز به همین نکته اشاره داشته‌اند. (لویی گارده، اسلام دین و امت، ص ۱۳۰؛ مالس روتون، دنیای اسلام، ص ۴۲؛ اشیپولر، جهان اسلام، ص ۲۷؛ امیل، مردان حکمت محمد و سنت اسلامی، ص ۳۳) رسول اکرم فقدان این دو بزرگوار را متوجه تمام جهان اسلام دانستند و آن را بالاتر از مصیبتی خانوادگی یاد کردند. (ابن واضح احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵) مصیبت درگذشت این دو شخصیت ارزشمند، پیمودن مسیر دعوت پیامبر در مکه با مشکلات فراوانی روبرو گردید. به همین جهت در یکی از شب‌های شوال همان سال حضرت به سمت طائف حرکت کرد. در طائف نیز پیامبر با آزار و اذیت مردم آنجا روبرو شد و پس از ۱۰ روز اقامت بی‌ثمر در آن شهر ناراحت به شهر مکه بازگشت؛ همان‌گونه که خاور شناسان اشاره کرده‌اند. (کارن آرم سترانگ، محمد زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۲۰۶؛ آنه ماری شیمل، محمد رسول خدا، ص ۲۲؛ آندره میکل، اسلام و تمدن اسلامی، ص ۷۰؛ ابوت، عایشه همسر پیغمبر، ص ۱۶) رسول اکرم در هنگامه این سفر فقدان آن دو شخصیت گرانمایه را بیش از گذشته احساس کردند. (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۱۹؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۳؛ ابن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۶؛ ابن جریر طبری، ج ۲، ص ۳۴۴؛ احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوه مقدمه، ص ۶۶)

مادامی که حضرت خدیجه سلام الله علیها در قید حیات بودند پیامبر همسر دیگری گزینش نمود و پس از او همانطور که بعضی از منابع تاریخی اظهار داشته‌اند تعداد همسران حضرت علیرغم نظرگاه خاورشناسان می‌باشد. در میان انبوهی از نظرات سیره‌نویسان همچون ابن اسحاق و ابن هشام، ۱۳ همسر برای پیامبر یاد کرده‌اند و درباره دو تن از ایشان تنها حضرت به قرائت خطبه عقد اکتفا کردند و خدیجه دختر خویلد و زینب دختر خزیمه در زمان زندگانی پیامبر اسلام از دنیا رفتند. (ابن اسحاق، ص ۲۵۴ تا ۲۶۸؛ ابن هشام، ج ۲، ص ۶۴۳ تا ۶۴۸) ولیکن ابن جریر طبری باور دارد رسول اکرم ۱۵ زن گرفت که از این تعداد تنها با ۱۳ تن ایشان خطبه عقد دائم خواندند و مادامی که از دنیا می‌روند حضرت دارای ۹ زن بودند. (طبری، ج ۳، ص ۱۶۰) ابن سعد بعد از معرفی ۱۲ همسر دائم رسول خدا، ۶ زن دیگری را یاد می‌کند که پیامبر پیرامون ایشان به قرائت خطبه بسنده می‌کند و به خانه خویش نمی‌برد. (ابن سعد، ج ۸، ص ۴۲ تا ۱۱۲) با وجود این زمان وفات پیغمبر مکرم اسلام ۹ نفر از همسران پیامبر زنده بودند و گویا شیمل، میکل، ابوت و بورلو بر این پایه تعداد زنان پیامبر را پس از وفات حضرت خدیجه به اشتباه ۹ نفر یاد کرده‌اند. (شیمل، ص ۲۲؛ میکل، ص ۷۰؛ ابوت، ص ۱۶؛ بورلو، ص ۳۰) و حال آن که رسول اکرم با ۱۳ زن خطبه عقد دائم جاری کرده‌اند همانطور که خاور شناسان ادعا کرده‌اند رسول اکرم هیچ وقت یاد حضرت خدیجه را از نظر دور نکردند و

این نظر صحیح ایشان تا آنجایی قابل تکیه است که عایشه یکی از همسران رسول خدا می گوید: پیغمبر هیچ وقت از منزل خارج نگردید مگر آن که از حضرت خدیجه یاد نمود و ایشان را ستود. (محمد بن احمد دولابی، ص ۶۶؛ اسماعیل بن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۱۲۸) افزون بر این پیامبر همواره از حضرت خدیجه با عناوین محبوبه خویش و صدیقه امت یاد نموده اند. (اسماعیل بن کثیر، ج ۳، ص ۱۲۹)

نتیجه گیری

ارزیابی اقوال خاور شنا سان درباره زیست حضرت خدیجه سلام الله علیها نشان دهنده آن است که بیشتر نظرات در جهت تحلیل رخدادهای زمان پیامبر و شخصیت حضرت خدیجه مورد توجه قرار گرفته است. اغلب این نظرات به دوران رحلت حضرت خدیجه نیز باز می گردد. با عنایت به این مسئله به نتیجه زیر می توان درباره تبعات رحلت حضرت خدیجه اشاره کرد:

در مبحث حضرت خدیجه و رحلت ایشان و پیامدهایی که برای رسول اکرم به دنبال داشت نظرات بعضاً متناقض درباره زمان وفات حضرت خدیجه و تعداد همسران رسول اکرم در اقوال خاورشناسان احتمالاً ناظر به نقل گزینشی و محدود نمودن استنادات به بعضی مآخذ و عدم استفاده از آثار متقدمان ناشی شده است. مطرح نمودن بعضی آراء از سوی مستشرقان که به صورت همدلانه انجام شده است نشان دهنده قرابت هایی است که برداشت آنها با مسلمانان دارند و این نکته در مبحث پیامدهای روحی و اجتماعی رحلت حضرت خدیجه بر رسول اکرم قابل مشاهده است و در نوع خود می تواند نکته ای نوین و رهیافتی بدیع به نظر آید.

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النجفی.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد جزری (۱۴۰۹ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دار الفکر.
۳. ابن اثیر، علی، (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر.
۴. ابن اسحاق، محمد، (۱۴۱۰ق)، سیره ابن اسحاق (کتاب السیر و المغازی)، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۵. ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ق)، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، المناقب، قم: علامه.

۷. ابن عبدالبر، أبو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد، (۱۴۱۲)، **الا ستیعاب فی معرفه الأ صحاب**، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجيل.
۸. ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۰۷ق)، **البدایه والنهایه**، بیروت: دارالفکر.
۹. ابن هشام، عبدالملک بن هشام الحمیری المعافری، (بی تا)، **السیره النبویه**، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالمعرفه.
۱۰. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی، (۱۴۱۸ق)، **تذکره الخواص**، قم: منشورات الشریف الرضی.
۱۱. ابن شهر آشوب، (۱۳۷۶)، **مناقب آل ابي طالب**، تصحیح: لجنة من اساتذته، نجف: المطبعة الحیدریه.
۱۲. ابن عبدالبر، یوسف، (۱۴۱۲ق)، **الا ستیعاب فی معرفه الأ صحاب**، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجيل.
۱۳. ابن فتال نیشابوری، محمد بن حسن، (۱۴۲۳)، **روضه الواعظین و بصیره المتعظین**، قم: دلیل ما.
۱۴. ابن مشهدی، ابو جعفر محمد بن جعفر بن علی الحائری، (۱۴۳۹)، **اقرار الصحابه بفضل امام الهدی و القرابه**، بی جا: مکتبه العلامه المجلسی.
۱۵. ابوت، نبیا، (۱۳۴۴)، **عایشه همسر پیغمبر**، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی، تهران: آسیا.
۱۶. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، (۱۴۱۹ق)، **معرفه الصحابه**، ریاض: دارالوطن، للنشر.
۱۷. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، (۱۴۲۱ق)، **کشف الغمه فی معرفه الأئمه**، قم: رضی.
۱۸. اشپولر، برتولد، (۱۳۵۴)، **جهان اسلام**، ترجمه: قمر آریان، تهران: امیرکبیر.
۱۹. اصفهانی، ابوالفرج علی بن الح سین، (بی تا)، **مقاتل الطالبین**، تحقیق: سیداحمد صقر، بیروت: دارالمعرفه.
۲۰. آرمسترانگ، کارن، (۱۳۸۶)، **محمد زندگینامه پیامبر اسلام**، ترجمه: کیانوش حشمتی، چاپ دوم، تهران: حکمت.
۲۱. آئینه‌وند، صادق، (۱۳۸۸)، **سیره نویسی و سیره نگاران**، چاپ دوم، تهران: خانه کتاب.
۲۲. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ه)، **صحیح البخاری**، بی جا: دارطوق النجاه.
۲۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ق)، **صحیح البخاری**، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دمشق: دارطوق النجاه.

۲۴. بروکلیمان، کارل، (۱۳۲۶)، تاریخ ملل و دول اسلامی، ترجمه: هادی جزایری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۵. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، أنساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.
۲۶. بورلو، ژوزف، (۱۳۸۶)، تمدن اسلامی، ترجمه: سیداسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۷. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعه، تحقیق: عبدالمعطی قلعجی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۸. پورت، جان دیون، (۱۳۴۸)، عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن، ترجمه: سیدغلامرضا سعیدی، قم: دارالتبلیغ اسلامی.
۲۹. پورنقشبند، نادر، (۱۳۸۵)، «نحوه برخورد السلام شناسان غرب با سیره رسول اکرم (ص)»، در: مجموعه مقالات همایش سیره‌شناختی پیامبر اعظم (ص) به اتمام اصغر منتظرالقائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۳۰. تصویر خانواده پیامبر (ص) در: دار المعارف اسلام (ترجمه و نقد)، (۱۳۸۷)، ناقدین: عبدالرضا عرب و دیگران، زیر نظر محمد تقی زاده داوری، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
۳۱. تهرانی، حسین، (۱۳۹۳)، خصایص ام‌المؤمنین خدیجه الکبری (س): ویژگی‌های حضرت خدیجه کبری (س)، قم: طوبای محبت.
۳۲. جعفریان، رسول، (۱۳۷۸)، قصه‌خوانان در تاریخ اسلام و ایران، قم: دلیل ما.
۳۳. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، (۱۳۹۶ش)، فضائل فاطمه الزهرا (س)، تحقیق و ترجمه: محمود نعمتی، تهران: نشر سخن.
۳۴. حتی، فیلیپ خوری، (۱۳۸۰)، تاریخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چ سوم، تهران: آگاه.
۳۵. حورانی، آلبرت، (۱۳۸۴)، تاریخ مردان عرب، ترجمه: فرید جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
۳۶. دو سلیه، آلن و روژه آرنالدز، (بی‌تا)، آیین اسلام در شناخت اسلام، ترجمه: سید عبدالحسین حسینی، تهران: سعیدی.

۳۷. دولابی، محمد بن احمد، (۱۴۱۸ق)، **ذریه الطاهره**، تحقیق: سیدمحمدجواد حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین.
۳۸. روتون، مالیس، (۱۳۹۱)، **دنیای اسلام**، ترجمه و اقتباس: مرتضی مدنی نژاد، بی جا: بی نا.
۳۹. سمعانی، عبدالکریم بن محمد بن منصور التیمی السمعانی المروزی، (۱۳۸۲ه)، **الأنساب**، تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی و دیگران، حیدرآباد: مجلس دائره المعارف العثمانیه.
۴۰. شریف مرتضی، أبوالقاسم علی بن حسین الموسوی، (بی تا)، **الشافی فی الإمامه**، تحقیق: السید عبدالزهراء الحسینی الخطیب، تهران: مؤسسه الصادق (ع) للطباعه والنشر.
۴۱. شهیدی، سید جعفر، (۱۳۷۶ش)، **تاریخ تحلیلی اسلام**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۲. شیمل، آنه ماری، محمد، (۱۳۸۷)، **رسول خدا**، ترجمه حسن لاهوتی، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.
۴۳. صفری فروشانی، نعمت الله و داوود کاظم پور، (۱۳۹۷ش)، «بررسی و تحلیل سن حضرت خدیجه در ازدواج با پیامبر (با تأکید بر منابع تاریخی)»، مجموعه مقالات همایش صدف کوثر حضرت خدیجه، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۴۴. صمیمی، مینو، (۱۳۸۴)، **محمد در اروپا**، ترجمه: عباس مهرپویا، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۷)، **إعلام الوری بأعلام الهدی**، قم: آل البیت.
۴۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۳۸۷)، **تاریخ الأمم و الملوک**، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
۴۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، **تاریخ طبری**، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ط. الثانیه، بیروت: دارالتراث.
۴۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن، (۱۳۸۳ه)، **تلخیص الشافی**، تحقیق: سیدحسین بحر العلوم، نجف: بی نا.
۴۹. عالمی، سید علیرضا، (۱۳۹۷)، «زیست نامه مستند حضرت خدیجه»، مجموعه مقالات همایش صدف کوثر حضرت خدیجه، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۵۰. عبدالمحمدی، حسین، (۱۳۹۴)، **مستشرقان و پیامبر اعظم (ص)**، چاپ دوم، قم: المصطفی.

۵۱. کریمی نیا، مرتضی، (۱۳۸۶)، «سیری اجمالی در سیره نگاری پیامبر اسلام در غرب»، در: سیره پژوهی در غرب؛ گزیده متون و منابع، تدوین: مرتضی کریمی نیا، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۵۲. کورزین، فیلیس، (۱۳۸۶)، امپراتوری اسلامی، ترجمه: مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
۵۳. گارده، لوئی، (۱۳۵۲)، اسلام؛ دین و امت، ترجمه: رضا مشایخی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵۴. گوهری فخرآباد، مصطفی، (۱۳۹۶)، طبقات ابن سعد در ترازی نقد: بررسی اخبار خلفای راشدین در کتاب الطبقات الکبری، تهران: سفیر اردهال.
۵۵. لاپیدوس، ایرا ماروین، (۱۳۸۷)، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه: علی بختیاری زاده، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
۵۶. لوبون، گوستاو، (۱۳۳۴)، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ چهارم، تهران: بنگاه مطبوعاتی علمی.
۵۷. لینگز، مارتین، (۱۳۹۱)، محمد (ص) بر پایه کهن ترین منابع، ترجمه: سعید تهرانی نسب، تهران: حکمت.
۵۸. محمدزاده، مرضیه، (۱۳۹۷)، خدیجه (س)؛ همتای بی همتا، تهران: اطلاعات.
۵۹. مسعودی، (بی تا)، التنبیه و الإشراف، تحقیق: عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دارالاصاوی.
۶۰. مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، چاپ سوم، قم: دارالهجره.
۶۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵)، سیری در سیره نبوی، چاپ چهل و یکم، تهران: صدرا.
۶۲. مطهری نیا، محمود، (۱۳۸۹)، مستشرقان و نبی عظیم (ص) نقد و بررسی آراء پنج تن از مستشرقان سیره نبوی و شخصیت و تاریخ پیامبر اعظم (ص)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۶۳. مقدسی، مطهرین طاهر، (بی تا)، البدء و التاریخ، بورسعيد، مکتبه الثقافه الدینیه.
۶۴. مقریزی، احمد بن علی، (۱۴۲۰ق)، إمتناع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفده والمطاع، تحقیق: عبدالحمید النمیسی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۶۵. میر شریفی، سیدعلی، (۱۳۸۵ش)، پیام آور رحمت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۶۶. میکل، آندره، (۱۳۸۱)، اسلام و تمدن اسلامی (۱)، با همکاری هانری لوران، ترجمه: حسن فروغی، تهران: سمت.
۶۷. وات، مونتگمری، (۱۳۴۴)، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه: اسماعیل ولی‌زاده، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
۶۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق بن جعفر بن وهب، (بی‌تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر.
۶۹. یوسفی غروی، شیخ محمد هادی، (۱۴۱۷)، موسوعه التاريخ الإسلامی، قم - تهران: مجمع الفکر الاسلامی.
۷۰. *Hussain, Naseeha S, "Khadija and Aisha: A Study of Premodern and Modern Scholarly Portrayals", Graduate College of the University of Illinois at Urbana-Champaign, ۲۰۱۵.*